

چرا مردم اخبار جعلی را باور می کنند؟

طبق یک تحقیق در اتحادیه اروپا، شناسایی و درک چهار لایه شناختی در شبکه عصبی مغز انسان به ما کمک می کند تا دریابیم چرا افراد اخبار جعلی را باور می کنند و چرا علاقه ای به تحلیل عمیق و مناسب این نوع اخبار ندارند.

به گزارش خبرنگاران گروه علم و فناوری گزارش خبر، بسیاری از اخبار جعلی بسیار مضحک و بی منطق هستند و هیچ پس زمینه درستی ندارند. اما باز هم خوانندگان این خبرها را باور می کنند و با به اشتراک گذاشتن آن در شبکه های اجتماعی به انتشار هر چه گسترده تر این دست خبرها کمک می کنند. این روند در یک سال اخیر و همزمان با شیوع گسترده ویروس کرونا بیشتر شده و خانه نشینی بسیاری از افراد موجب افزایش تمایل به انتشار اخبار جعلی شده که این امر باعث بی اعتمادی به دانشمندان و مقامات رسمی شده است. سوالی که در این زمینه پیش آمده آن است که چرا مردم اخبار جعلی بی پایه و اساس را باور می کنند و چرا اجازه می دهند این اخبار فهم و درک آنها را از جهان شکل دهد. چه سازوکارهایی در ذهن افراد شکل می گیرد که باعث اعتماد به چنین اخباری می شود؟

پاسخ به این سوالات در شبکه عصبی مغز افراد نهفته است. اتحادیه اروپا برای بررسی دقیق این موضوع بودجه اجرای تحقیقی را تامین کرده که تحت نظارت و مدیریت محققان بلغارستانی در حال انجام است. هدف از انجام این پژوهش بررسی و شناسایی عملکرد لایه های شناختی مغز است تا مشخص شود آنها چگونه اخبار دروغ را مدیریت و پردازش می کنند و چه عواملی باعث می شود اشخاص این اخبار را باور کنند.

این تحقیق نشان می دهد که شناسایی و درک چهار لایه شناختی در شبکه عصبی مغز انسان به ما کمک می کند تا دریابیم چرا افراد اخبار جعلی را باور می کنند و چرا علاقه ای به تحلیل عمیق و مناسب این نوع اخبار ندارند. این لایه ها عبارتند از شناخت انگیزه، زمینه های تفکر، معادل سازی و تاکید و علیت سیستمی.

۱. شناخت انگیزه

اولین لایه شناختی که باید مورد توجه قرار بگیرد، شناخت انگیزه است. این لایه نشان می دهد برداشت ما از خود در ارتباط با دیگران چگونه است و چه درکی از این موضوع داریم و همچنین تعیین می کند که ما چقدر تحت تأثیر اطلاعاتی که دریافت می کنیم قرار می گیریم.

همین لایه شناختی توضیح می دهد که چرا هر فرد به افرادی که در حلقه آشنایان اجتماعی خودش قرار دارد، اعتماد بیشتری دارد و عقائد و نظراتش را با همین افراد به اشتراک می گذارد. معمولاً اخبار و اطلاعات ارسالی این گروه توسط ما موجه و قابل اعتماد است. همچنین اخبار منتشر شده توسط محققان معتبر یا دولت هم به همین دلیل مورد پذیرش ما قرار می گیرد.

شناخت انگیزه لایه ای شناختی است که روندهای شبکه های اجتماعی را هم توضیح می دهد. ما وقتی مطلبی را در محیط آنلاین می خوانیم، احتمال پذیرش آن در صورت انتشار از سوی یک حساب کاربری تایید شده و دارای تصویری مناسب و حرفه ای از کاربر و شرحی مفصل و حرفه ای از احوالات وی بیشتر است. اما مطالب منتشر شده توسط حساب های کاربری ناشناس و بدون تصویر و شرح مناسب را چندان باور نمی کنیم. تعداد به اشتراک گذاری مطالب، تعداد لایک ها و اظهارنظرها و نیز بر روی شکل گیری تصویر کلی مد نظر ما در مورد هر مطلب تاثیرگذار است.

خالقان اخبار جعلی ابتدا اسناد رسمی منتشر شده دولت ها و مقامات و نهادهای معتبر را بازنشر کرده و در ادامه بخش هایی از آنها را به گونه ای تفسیر و تعبیر می کنند که با معنای واقعی آنها در تضاد کامل باشد.

افرادی که قصد انتشار اخبار جعلی را دارند، می توانند از این سازوکارها سوءاستفاده کنند و مردم را فریب دهند. خالقان اخبار جعلی ابتدا اسناد رسمی منتشر شده دولت ها و مقامات و نهادهای معتبر را بازنشر کرده و در ادامه بخش هایی از آنها را به گونه ای تفسیر و تعبیر می کنند که با معنای واقعی آنها در تضاد کامل باشد.

این سازوکار بارها و بارها مورد استفاده قرار گرفته و به عنوان مثال، اوایل شیوع کرونا از سندی رسمی که توسط وزارت بهداشت ایتالیا منتشر شده بود برای بازنشر خبری دروغ در مورد ممنوع شدن کالبدشکافی فوت شدگان در اثر ابتلا به ویروس کرونا استفاده شد. این در حالی بود که در اصل سند به این موضوع اشاره ای نشده بود و تنها بخشی از آن به غلط به شکلی تفسیر و تعبیر شده بود تا خبر دروغ مدنظر استخراج شود. از همین شیوه برای انتشار خبری دروغ در مورد تمدید سیاست های قرنطینه تا بهار سال ۲۰۲۱ در ایتالیا استفاده شده بود. این بار بیانیه نخست وزیر ایتالیا بدین منظور دستکاری شده بود.

۲. زمینه های تفکر

لایه شناختی دوم زمینه های تفکر نام دارد. وقتی ما اطلاعاتی را دریافت کرده یا در مورد چیزی فکر می کنیم، ذهن ما از طرح های مفهومی از پیش تعریف شده برای زمینه سازی در مورد آن و درک نهای موضوع استفاده می کند. همین طرح ها تعیین کننده موافقت یا مخالفت با موضوعات مختلف خواهد بود.

هر بار ما چیزی می آموزیم که موید باورهای ذهنی قبلی باشد، آن را صحیح تصور کرده و در ذهنمان ذخیره می کنیم. اما اگر آموزش های جدید بر ضد باورهای قبلی ما باشد در برابر آن موضع می گیریم.

قالب های فکری افراد در این زمینه بسیار وابسته به ذهنیت آنهاست و پس زمینه زندگی هر فرد، تجارب و عادات اجتماعی او در این زمینه کاملاً نقش آفرین است. هر بار ما چیزی می آموزیم که موید باورهای ذهنی قبلی باشد، آن را صحیح تصور کرده و در ذهنمان ذخیره می کنیم. اما اگر آموزش های

جدید بر ضد باورهای قبلی ما باشد در برابر آن موضع می گیریم.

از همین رو اگر خبری جدید با تصورات ذهنی قبلی ما سازگار باشد، آن را پذیرفته و به حافظه می سپاریم تا دیدگاه های قبلی ما تقویت شود. در غیر این صورت داده های جدید را نمی پذیریم تا از ایجاد تضاد شناختی و سردرگمی ذهنی جلوگیری شود.

بنابراین اگر از قبل گرایشات راست گرایانه داشته باشیم، روایت های راست گرایانه از رویدادهای مختلف را بیشتر می پذیریم. بر همین اساس روایت رسانه های دست راستی از بد بودن یا خطرناک بودن مهاجرانی که از راه دریا به اروپا می رسند را به راحتی باور می کنیم. افراد معتقد به این طرز تفکر شاهد ته نشین شدن این نوع روایت ها در ذهن خود و تقویت آن از طریق مطالعه اخبار موید این دیدگاه هستند. چنین افرادی خبر جعلی پیاده شدن مهاجران در منطقه امبریای ایتالیا را که اصلاً به دریا دسترسی ندارد، به راحتی باور می کنند. در مقابل افرادی که از قبل دارای پیش زمینه های چپ گرایانه و متفاوتی در قبال مهاجران هستند نسبت به چنین اخباری بدبینی دارند و به راحتی آنها را نمی پذیرند.

یکی از جالب ترین مثال ها در این زمینه انتشار گسترده ویدئویی در مورد تشدید امکان ابتلا به کرونا به علت تشعشعات دکل های نسل پنجم تلفن همراه بوده است. این ویدئو اولین بار توسط یک تلویزیون آنلاین به نام KLa.tv در سوئیس منتشر شد. در این ویدئو به طور مکرر از تصاویر مردی در حال سرفه با دستکش و کاپشن استفاده شده بود که تصویری غالب در ذهن افراد در مورد زمستان است که معمولاً با سرماهوردگی و انفلوانزا همراه است. در ادامه در این تصاویر از دکل های مخابراتی نسل پنجم هم استفاده شده بود تا به دروغ بین این دو پدیده ارتباط برقرار شود.

۳. معادل سازی و تأکید

این لایه شناختی مربوط به چگونگی و نحوه اطلاع رسانی به مردم است. به عنوان مثال نحوه انعکاس آمار مبتلایان به کرونا در هر کشور تصور و برداشت ما از وضعیت آن کشور در این زمینه را شکل می دهد. اگر بیان شود از ابتلای شیوع ویروس کرونا در یک کشور صدها هزار نفر مبتلا شده اند تصویری منفی از آن کشور در ذهن ما شکل می گیرد. اما اگر تأکید شود که از این افراد تنها ۵ درصد فوت شده اند، تصور ما متفاوت و تا حدی مثبت خواهد بود. این دو خبر تصوراتی متفاوت را در ذهن ما شکل می دهند که به واکنش های متفاوتی منجر می شود.

لایه شناختی «معادل سازی و تأکید» مربوط به چگونگی و نحوه اطلاع رسانی به مردم است.

معادل سازی ذهنی ما از اخبار دریافتی و تأکید برای ته نشین شدن آن در ذهن هم به باورپذیری اخبار دستکاری شده کمک می کند. به عنوان مثال خبری منتشر شد که بر اساس آن در بیمارستان های ایتالیا زنان مجبور به استفاده از ماسک های حفاظتی در زمان تولد نوزادانشان شده اند. اما به این نکته اشاره نشد که این اجبار در بیمارستان های فرانسه، اسپانیا، کانادا و ژاپن هم وجود داشته و از همین طریق جوی منفی در مورد ایتالیا ایجاد شد. همین تأکید بر ضرورت ماسک زدن دانش آموزان ایتالیایی بدون اشاره به اجرای این پروتکل در برخی کشورهای دیگر اروپایی باعث ایجاد بدبینی به مقامات ایتالیایی شد.

۴. علیت سیستمی

آخرین لایه شناختی که به درک علت پذیرش اخبار جعلی کمک می کند، علیت سیستمی است. این لایه را می توان با علیت مستقیم مقایسه کرد، سازوکاری مبنایی که همه ما ناخودآگاه برای یادگیری چیزهای جدید و معنا سازی از جهان به کار می بریم. علیت مستقیم درک رابطه متقابل دو رویداد را برای ما ممکن می کند، زیرا ما یک رویداد را علت و دیگری را معلول تلقی می کنیم. مثلاً علت گریه یک نوزاد را گرسنگی او می دانیم یا چرخاندن کلید را در قفل عامل بازشدن آن می دانیم.

اما سازوکارهای علی و معلولی وجود دارند که درک و مشاهده آنها به صورت سریع و شفاف ممکن نیست. به عنوان مثال می توان به موضوع نژادپرستی اشاره کرد. همچنین برخی امور فنی مانند ارتباطات بی سیم یا اثرات مصرف داروها بر بدن را نمی توان به صورت واضح مشاهده کرد.

منتشرکنندگان اخبار جعلی از روابط علی و معلولی مبهم برای باورپذیرکردن ادعاهای خود استفاده می کنند.

منتشرکنندگان اخبار جعلی از همین موضوع برای باورپذیرکردن ادعاهای خود استفاده می کنند. به عنوان مثال، گرمایش کره زمین اثرات مخرب نامحسوسی بر زندگی ما داشته است. اما این اثرات برای اکثر مردم ملموس و محسوس نیست. لذا منتشرکنندگان اخبار جعلی این موضوع را به طور کلی دروغ می دانند. در این زمینه کار به جایی رسید که دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا مدعی شد چون در سرمای هوا در پاییز و زمستان تغییر ملموسی رخ نداده، پس گرمایش زمین هم آن طور که ادعا می شود بد نیست. این مثالی ملموس از لایه شناختی علیت سیستمی است. باید توجه داشت که گرمایش زمین پدیده ای بسیار پیچیده است که آن را به شیوه های عادی علت و معلولی نمی توان توضیح داد.

نتیجه گیری

باید توجه داشت که انتشار اخبار جعلی و پذیرش آن حاصل وجود لایه های شناختی متعددی است که افراد را به پذیرش اخبار مذکور وادار کرده و آنها را در این زمینه اقناع می کند. درک سازوکارهای منتهی به تاثیرگذاری این لایه های شناختی به ما کمک می کند تا از خود در برابر پذیرش اخبار جعلی حفاظت کنیم و بهتر بتوانیم این خبرها را شناسایی و حذف کنیم. همچنین باید توجه داشت که به منظور افزایش توان افراد برای حفاظت از خود در برابر اخبار جعلی باید به آنها آموزش های بیشتری داده شود.